

## روابط ایران و چین از آغاز تا ساسانیان (سیاسی - مذهبی - اقتصادی)

\* علی اکبر کجیاف

چکیده:

ایران و چین از گذشته‌های دور با یکدیگر ارتباط داشته‌اند به گونه‌ای که پیشینه تاریخی روابط دو کشور به دهها قرن پیش از میلاد می‌رسد و به واسطه تمدن درخشان آنان حتی می‌توان تشابهات زیادی در افسانه‌ها و اساطیر دو کشور مشاهده نمود در این تحقیق سعی شده است روابط دو کشور در ابعاد فرهنگی و سیاسی و مذهبی و تجاری از آغاز تا پایان سلسله ساسانیان مورد بررسی قرار گیرد تا میزان تأثیر نفوذ آیین بودا و رواج مسیحیت و زرتشت و نقش مانی در کشور چین ملهم از وجود برقراری روابط با ایران بوده است و یا اینکه آیا در دو کشور از نظر ادبی می‌توان به نقاط مشترک دست یافت یا خیر که با اشاره به وجود شخصیت‌های مشابه در شاهنامه ایرانی و شاهنامه چینی مانند داستان رستم و سهراب و ماجرای خننگ شن - پن - ای می‌توان به

پاسخ سؤال مذکور تا حدودی دست یافت و یا از اکتشافات تپه سیلک کاشان و آثار موجود در سرزمین چین می‌توان به وجود روابط اقتصادی و تبادل کالا و ظروف سفالی و مفرغی و آهنی بین دو کشور استناد کرد.

روابط سیاسی ایران و چین در سیر مراحل تاریخی خود پیشرفت می‌کند چنانکه اولین سفیر دولت چین در زمان مهرداد دوم شاه اشکانی به ایران می‌آید و مردم ایران را این‌گونه توصیف می‌کند که اکثر مردم ایران به کار کشاورزی اشتغال دارند و در کار بازرگانی مهارت فراوان دارند و از چینها طرز قالب‌گیری سلاح را آموخته‌اند و در مقابل شاهزاده اشکانی به دربار چین می‌رود و مدت بیست سال در آنجا می‌ماند و به تجربه کتب بودایی می‌پردازد. در زمان ساسانیان این روابط ابعاد گسترده‌ای پیدا می‌کند و مسیحیت توسط ایرانیان در چین اشاعه می‌یابد حتی رواج مذاهب ایرانی را همچون زرتشتی و مانوی در نتیجه کوشش ایرانیان می‌دانند.

این بررسی نشان می‌دهد که اولاً در ایران قبل از اسلام بین دو کشور ایران و چین رابطه وجود داشته‌است و ثانیاً روابط در ابعاد اقتصادی و تجاری و سیاسی و فرهنگی به‌طور گسترده‌ای برقرار بوده‌است و ثالثاً به روابط تأثیر متقابل فرهنگی دو کشور می‌توان استناد نمود که توسط ایرانیان آیین مسیحیت و بودا و زرتشت در کشور چین رواج یافته‌است و ایرانیان در مقابل طرز قالب‌گیری اسلحه را از چینها فرا گرفته‌اند.

### واژه‌های کلیدی

• بودا • زرتشت • مانی • شاهنامه ایرانی • شاهنامه چینی • جاده ابریشم • علم ستاره‌شناسی • پازیریک • فغفور • جانگ چیان • خاقان‌هان • لوه‌یانگ

### روش و مراحل تحقیق

مطالبی که به نگارش درمی‌آید مبتنی بر روش توصیفی روابط دو کشور ایران و چین از آغاز تا پایان سلسله ساسانیان با تکیه بر تحقیق کتابخانه‌ای انجام پذیرفته‌است.

## مقدمه

روابط ایران و چین دارای سابقه‌ای بس طولانی است و این دو ملت کهنسال به واسطه آثار تمدن درخشان در تاریخ خود، از تشابهات زیادی برخوردار هستند چنانکه نمونه‌های این تشابه را می‌توان در افسانه‌ها و اساطیر گذشته مشاهده کرده‌بودی که در جریان اشخاص و داستانهای شاهنامه ایرانی همان شخصیتها و داستانها در شاهنامه چینی نیز دیده می‌شود که این تشابه را دلیلی بر وجود روابط فرهنگی دو کشور ذکر کرده‌اند و روابط اقتصادی دو کشور ایران و چین از تبادل کالا و ظروف سفالی و مفرغی و آهنی بین آنان از اکتشافات تپه سیلک و آثار موجود در سرزمین چین را به اثبات رساند آنچه که موضوع ارتباطات میان ایران چین در دوران باستان را یاری می‌نماید بیشتر آثار به جای مانده از مورخین چینی است زیرا از ایرانیان در این باره اسناد و مدارک بسیار اندک است برای اثبات وجود روابط دو کشور تا زمان اشکانیان با کمبود اسناد و مدارک روبه‌رو هستیم ولی از زمان مهرداد دوم اشکانی است که اولین سفیر چینی رسماً به ایران می‌آید که اسناد و مدارک موجود ما را در کنکاش و تفحص راجع به فراز و نشیب روند روابط دو کشور کمک و یاری می‌نماید.

در این مقاله هدف، بررسی توصیفی روابط دو کشور از آغاز تا پایان عصر ساسانی می‌باشد نخست روابط ایران و چین را در تاریخ اساطیری مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و سپس به چگونگی روابط تا پایان عصر اشکانی پرداخته‌ایم.

آنگاه در مبحث روابط ایران در اعصار مقدونیه و سلوکیه و اشکانی به نقش و اهمیت جاده ابریشم در ارتباطات میان دو کشور اشاره شده همچنین علل رواج آیین بودا در چین در زمان اشکانی را مورد بررسی قرار داده‌ایم در خاتمه نگاهی به نوع روابط ایران و چین در عصر ساسانی نموده‌ایم به نقش مذهب در این رابطه پرداخته و چگونگی نفوذ و رواج دین مسیحیت و زرتشت در چین و تأثیر آن بر روابط دو کشور و وضعیت آیین مانی را ارزیابی نموده‌ایم همچنین روابط بازرگانی و سیاسی ایران و چین را در دوره مورد بحث بررسی کرده‌ایم.

## نتایج

از آنچه بیان می شود میتوان نتیجه گرفت که:

ایران و چین دو کشوری هستند که از تاریخ تمدن کهن و درخشانی برخوردارند و از دیرباز روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان آنان برقرار بوده است که دارای تشابهات زیادی باهم می باشند و چنانکه نمونه های این تشابه را می توان در افسانه ها و اساطیر گذشته دو ملت مشاهده کرد به گونه ای که در جریان اشخاص و داستانهای شاهنامه ایران و چین این شباهت وجود دارد چنانکه در شاهنامه چینی داستان خنگ شن - یین - ای شباهتهای زیادی با داستان رستم و سهراب در شاهنامه ایران دارد و شباهت دیگر را در کوره سفال پزی یانگ - شائو چین با کوره ای که در تپه سیلک ایران کشف گردید می توان ملاحظه نمود که بیانگر این است که هر دو از خاستگاه مشترکی برخوردار می باشند. در ادوار تاریخی ایران در زمان هخامنشیان، داریوش اول توانست مرزهای ایران را با تصرف بخشی از هند به سرحدات چین بسیار نزدیک نماید و یا در نامه تنسرکه به وجود ارتباط میان هخامنشیان و چینیان اشاره داشته پادشاه چین خراجگزار ایران بوده و از یافته هایی که در پازیریک واقع در کوههای آلتایی به دست آمده به نفوذ کشور ایران در چین می توان پی برد.

فغفور چین برای آگاهی از وضع کشورهای باختری سفیرانی از طریق خط ارتباطی میان چین و اروپا که به راه ابریشم معروف بود اعزام نموده وی حتی به ایران در زمان مهرداد دوم پادشاه اشکانی سفیری از سوی دولت چین اعزام شده و آنرا آغاز مبادله سفیر میان دو کشور عنوان نموده اند.

آیین بودا به علت وجود سیاست تسامح مذهبی در عصر اشکانی توانست در شمال شرق و شرق ایران پیروانی به دست آورد و این امر نیز به واسطه سیاست مشابه در کشور چین نیز تحقق یافت و حتی یکی از شاهزادگانی اشکانی به لوه یانگ پایتخت سلسله هان عزیمت می نماید و پس از تسلط به زبان چینی شروع به ترجمه کتب بودایی می نماید و مبلغان بودایی ایران همچون ان - هوان وان - فا - چین کسانی بودند که به تبلیغ آیین بودا در چین پرداختند اما روند این روابط در دوره ساسانی ابعاد

گسترده‌ای به خود می‌گیرد و رفت و آمد سفرا و نمایندگان سیاسی همچنین جهانگردان و زائران بودایی به ایران و ممالک همجوار آن فزونی می‌گیرد و نام ایران در اسناد و مدارک چین بیشتر برده می‌شود و در رأس همه مسایل مورد علاقه دو کشور داد و ستد و بازرگانی نقش اول را دارد زیرا ایرانیها از تجارت با چینها سود می‌بردند از این رو همواره در تحکیم مناسبات خود با آنها تلاش می‌کردند.

موضوع اصلی و روابط ایران و چین عمده‌تاً حول محور ابریشم بوده‌است در آغاز ابریشم منحصراً در چین تولید می‌شد و از طریق ایران به روم می‌رسید و ایران تلاش می‌کرد که بتواند راه ترانزیتی خود را حفظ نمایند و از آن به سود خود استفاده نمایند. بازار بین‌المللی بزرگی که در نزدیکی ساحل شرقی فرات در شهر بنته تشکیل گردید و در آن مبادله کالاهای چین و هند انجام می‌شد و همچنین پیدایش سکه‌های شاپور دوم واردشیر دوم و شاپور سوم در غاز تورفان بر سر راه چین دلیلی بر اثبات مدعای فوق می‌باشد و دلیلی بر وجود روابط تجاری میان دو کشور می‌باشد.

این روند در زمان پیروز شاه ساسانی که مدتها سرگرم نبرد با قوم هیاطله بود با چینیان روابط سیاسی برقرار کرد و یا تا زمان قباد و انوشیروان ادامه پیدا می‌کند و از سوی شاه چین به انوشیروان نامه‌ای که همراه آن هدایایی است ارسال می‌دارد و در پایان دوره ساسانی در زمان هرمز چهارم و خسرو پرویز به واسطه اوضاع و احوال نابسامان ایران که منجر به تهی شدن خزانه و آشفتنگی مملکت گردید شاه ایران برای حفظ خود و کشورش از چین کمک می‌خواهد.

## روابط ایران و چین در دوران اساطیری

پیشینه تاریخی روابط ایران و چین به دهها قرن پیش از میلاد می‌رسد آنچه از اسناد و مدارک در دسترس ما قرار گرفته گویای وجود تشابه فراوان در تاریخ اساطیری و افسانه‌ای ایران و چین است که دارای پیوند و آشنایی با یکدیگر بوده‌اند برای نمونه آموزگار در کتاب تاریخ اساطیر ایران آورده‌است که:

«فریدون پادشاه ایران، سرزمین تبت و چین و بلاد مشرق را به یکی از سه پسر

خود به نام توریا طوح سپرد»<sup>(۱)</sup>

که این موضوع را دال بر این امر عنوان نموده‌اند که در گذشته‌های دور چین جزئی از ایران بوده‌است و پس از بروز اختلاف میان فرزندان فریدون از آن جدا گردیده‌است ولی هیچ‌گونه مدرکی برای اثبات این مدعا وجود ندارد و ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان راجع به اسارت امپراتور چین توسط گرشاسب پهلوان این چنین نوشته‌است که:

«چون گرشاسب به چین شد فغفور را با بند زرین بر سر پیل با هشتاد دیگر شاهان به تیشه پیش فریدون فرستاد بر دست نریمان»<sup>(۲)</sup>

چینیها هم مانند ایرانیان دارای افسانه و داستانهای حماسی فراوانی بوده‌اند که برخی از آنها با افسانه‌ها و روایات ایرانی شباهت زیادی داشته و این تشابه را می‌توان در برخی از شخصیت‌های شاهنامه چینی با ایرانی ملاحظه نمود برای نمونه در شاهنامه چینی داستان «خنگ - شن - یین - ای»<sup>(۳)</sup> با داستان رستم و سهراب سیاوش و سودابه و تولد زال با موی سپید و افراسیاب و کیکاووس در شاهنامه فردوسی می‌توان شباهتهای زیاد را یافت.

رستم چینی در شاهنامه به نام «لی جینگ»<sup>(۴)</sup> آمده‌است که «برلی نوجا» غالب می‌شود که این داستان عیناً همچون ماجرای پیروزی رستم در استان بر سهراب در شاهنامه ایرانی است تفاوت بارزی که میان شاهنامه ایرانی و چینی وجود دارد در اینست که در شاهنامه چینی سرنوشت افراد و شخصیت‌های افسانه‌ای که حادثه‌آفرین هستند به خوبی و خوشی پایان می‌یابد برخلاف شاهنامه ایرانی که دارای سرنوشت تلخی بوده عمدتاً با مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند. تفاوت دیگر شاهنامه ایران و چین در نویسندگان این دو اثر است که شاهنامه چینی را یک نفر نوشته‌است بلکه طی سالیان چند، گروهی از نویسندگان صاحب ذوق چینی بخشهایی از آنرا به رشته تحریر درآورده‌اند حال آنکه شاهنامه ایرانی توسط یک نفر (فردوسی) تألیف گردیده‌است.<sup>(۶)</sup>

برخی مانند آلفرد فن گوتشمید معتقد است که علت وجود شباهت در آثار ایرانی

و چینی را می‌توان در الهام گرفتن از فرهنگ ملت سومی همچون سکاها یاسیتها دانست که در سرزمینهای پهناوری میان ایران قدیم و چین می‌زیسته‌اند که دارای داستانها و افسانه‌های بسیاری بوده‌اند ولی به‌طور کلی علل و عوامل اساسی را به‌طور دقیق و حتی نمی‌توان اظهار نمود.<sup>(۷)</sup>

### روابط ایران و چین در عصر هخامنشیان

اثبات وجود رابطه میان ایران و چین تا قبل از عصر هخامنشی امری مشکل و دشوار می‌باشد زیرا اسناد و مدارک خاصی وجود ندارد حتی مورخان یونانی که در باب ملل و اقوام کم‌اهمیت مطالبی بیان نمودند در این مورد مطلبی ذکر نکرده‌اند.

آنچه از مدارک باستان‌شناسی به‌دست آمده این است که مردم چین بسیار پیش‌تر از این با آسیای غربی تماسهای مادی داشته‌اند. مثلاً از شباهت نزدیک میان کوره سفال‌پزی یانگ - شائو که به فرهنگ نوسنگی چین مرکزی تعلق داشته با کوره‌ای که در دوره اخیر هزاره ۴ ق.م در تپه سیلک در مرکز ایران به‌دست آمد چنین برمی‌آید که احتمالاً این کوره‌ها خاستگاه مشترکی داشته‌اند. سفالینه رنگین یانگ - شائو خود از سنت آرایش سفالینه‌ای برخاسته که از فلات ایران به آنجا رسیده است که در مورد چین این تراوش با انتقال نظام فرهنگی همراه نبوده است.

از قرن نهم یا هشتم قبل از میلاد ارتباط فرهنگی بهتری با ایران برقرار شد چنانکه ویلیام واتسن در این باره می‌نویسد: «نوع آرایش خنجر و براق اسب در شمال چین در دوره شاهان نخستین دودمان چو<sup>(۸)</sup>» گویای این ارتباط می‌باشد که آغاز استمرار فرهنگی مؤثر میان ایران و چین از طریق آسیای میانه است از آن پس تعیین‌کننده نوع مبادلات شرق و غرب بوده از حدود سال ۶۰۰ ق.م یک کاسه کردن طرحها و مایه‌های برگرفته از شرق و غرب که در آفرینش فرهنگهای ناحیه‌ای که به صفات و ویژگیهای سکایی معروف گردیده به اوج خود رسید این طرحها و مایه‌ها می‌توانستند از طریق

منطقه سکایی ظاهراً مستقل گردیده به اوج خود رسید این طرحها و مایه‌ها می‌توانستند از طریق منطقه سیمکایی ظاهراً مستقل از کوچ قبایل انتقال پیدا کنند که عبارتند از شمشیر، پیکانها، چاقوها و مجموعه‌ای از نقشهای جانوران در هنر که برجسته‌ترین آنها نقش گوزن است.<sup>(۹)</sup>

نمونه‌های فوق دلیل بر این است که پاره‌ای از عناصر بنیادی فرهنگ‌ها مشابهت بسیار نزدیکی باهم داشته‌اند.

در زمان هخامنشیان داریوش اول توانست مرزهای امپراتوری خود را با تصرف بخش مهمی از هندوستان غربی به سرحدات چین بسیار نزدیک نماید و بدین جهت بعید به نظر می‌رسد که هیچ‌گونه ارتباطی میان این دو کشور وجود نداشته باشد. ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان با استناد به نامه تنسر به وجود ارتباط میان هخامنشیان و چینیان اشاره نموده است که در زمان داریوش (دارا) - پادشاه چین خراجگزار ایران بوده و در موقع معین باج و خراج می‌پرداخته است و در جایی از نامه تنسر چنین آمده است که:

«... بر این جمله بودیم تا به عهد دارابن چهارزاد هیچ پادشاه از ولیم و حکیم و ستوده سیرت و عزیز و نافذتر نبود و از چین تا مغرب روم هر که شاه بود او را بنده کمر بسته بودند و پیش او خراج و هدایا فرستاد و به لقب او را تغول شاه گفتند.»<sup>(۱۰)</sup>

برخی از محققان معتقدند که تا قبل از تأسیس سلسله پادشاهی در ایران میان چینها و بابلیان ظاهراً مناسبات فرهنگی وجود داشته است. گویا مردم چین در علم ستاره‌شناسی از اطلاعات دانشمندان بابلی استفاده نموده‌اند و دانشمندان چینی در مورد عالم فلکی یا دنیای بزرگ و عالم انسانی یا دنیای کوچک عقایدی مانند بابلی‌ها داشته‌اند.<sup>(۱۱)</sup> اگر نظر فوق درست باشد بایستی اجباراً ایران که بر سر راه بابل به چین بوده با کشور اخیر اندک ارتباط داشته باشید.

ولیم واتسن در زمینه وجود ارتباط ایران چین در عصر هخامنشیان چنین نوشته است که:

«از یافته‌هایی که در پازیریک<sup>(۱۲)</sup> واقع در کوههای آلتایی به دست آمده چنین



برمی آید که در دوره هخامنشیان راه بازرگانی میان شرق و غرب از نقطه‌ای شمالی‌تر می‌گذشته و در اینجا نفوذ کشور ایران را در طرحهای جانوران و سواران و آرایش فرش گره‌دار معروف می‌توان دید اما گلدوزی روی پارچه‌های ابریشمی که در تپه گورستان پنجم به دست آمده و قطعه‌ای آئینه مفرغی که در تپه ششم پیدا شده بی‌کمترین تردیدی نشانه‌های تجارت ایشیا تجملی با چین در پایان سده ۴ ق.م می‌باشد.<sup>(۱۳)</sup>

یعقوبی وقتی که سخن از پادشاهان چین را مطرح نموده‌است در زمینه ارتباط با کشور بابل چنین آورده‌است که «خرابات پادشاه چین که در جوانی به سلطنت رسیده بود برای آگاهی از بابل و روم نمایندگانی به آن نواحی گسیل داشت تا حکمت و صنعت آنجا را بشناسند از صنایع چین و آنچه از جامه‌های ابریشم و جز آن در چین ساخته می‌شود و افزارهایی که از چین صادر می‌گردد و همراه آنها فرستاد و هم آنها را فرمود تا از هر صنعت و هنر زیبایی از زمین بابل و روم با خود همراه بیاورند و احکام دینی آنها را نیک بشناسند پس برای اول بار کالاهای چین برای تجارت حمل شد زیرا که پادشاه کالاهای چین را زیبا یافته پسندیدند و کشتیها ساختند و کالاهای تجارتی در آنها به چین فرستادند و بازرگانان خارجی برای اولین مرتبه به چین آمدند.»<sup>(۱۴)</sup>

همچنین یعقوبی در جای دیگر می‌نویسد:

هر کس بخواهد از راه دریا به چین برود باید از هفت دریا گذشت ... که اول آن دریای فارس است که باید از سیراف در کشتی نشسته ... و آخر آن دریای صنجی و گاهی کنجلی است که این دریای چین است که این را با باد جنوب سیر می‌کنند تا به دریای خوشگوارای که مرزبانیها و اول معموره آنجاست برسند و از آنجا به شهر خانفو (کانتون) درآیند کسی که بخواهد از راه خشکی به چین رود در امتداد نهر بلخ (جیحون) از اراضی سفد، فرغانه، چاچ و تبت می‌گذرد تا به چین رسد.»<sup>(۱۵)</sup>

## روابط ایران و چین در دوره مقدونی و سلوکی

عده‌ای از مورخین بر این عقیده‌اند که چین توسط اسکندر مقدونی نیز تصرف گردیده‌است چنانکه در تاریخ حبیب السیر آمده:

«چون تمامی بلاد هندوستان در تسخیر خسرو ایران قرار گرفت به سوی چین

روانه شد و شاعر در این باره چنین سروده است:

از آن سوی لشکر سوی چین کشید      سر نامداران به پروین کشید

بعد از وصول به نواحی چین میان او و پادشاه آن سرزمین به واسطه و بی واسطه مخاطبات و مناظرات واقع شده، فغفور گردن به حلقه مطاوعت قیصر درآورد و به رسم پیشکش هزار من طلا، احمر و هزار قطعه حریر ابيض و پنج هزار ثوب ديبا و صد قبضه شمشیر مرصع و صد سراسب تازی نژاد با زین و لجام مزین به جواهر ثمین و صد رطل عنبر اشهب و صد هزار مثقال مشک اذفرو دو یست رطل عود قماری و دیگر ظرایف و تنسوقات و بدایع تبرکات نزد ذوالقرنین فرستاده مراسم نیاز به جای آورده اسکندر سلطنت ممالک چین را به نام نامی فغفور قلمی کرده و به مهر همایون تزیین داده عنان کشورستانی به جانب دیگر ولایات مشرق معطوف گردانید.<sup>(۱۶)</sup>

البته این روایت چندان صحیح به نظر نمی‌رسد و حتی برخی آنرا روایتی موهوم می‌دانند.

دولت چین برای آگاهی از وضع کشورهای باختری خود سفیرانی به آنجا اعزام می‌کرد و از اوضاع و احوال طبیعی و سیاسی و اقتصادی باخبر می‌شدند و حتی برخی از آنان برقراری ارتباط با کشورهای فوق‌الذکر را به واسطه وجود اقوام زردپوست و وحشی یوئه‌چی که راه عبور باختر و رنج را به چین سد کرده بودند به صلاح و صرفه نمی‌دانستند.

براین اساس فغفور<sup>(۱۷)</sup> چین پس از آگاهی از جریان امر از قبایل زردپوست چین درخواست نمود که به محل اولیه خود بازگردند ولی آنها این موضوع را عملی نکردند و امپراطور چین پس از آگاهی از اوضاع آنها توسط سفیر اعزامی چین به نام جانگ چیان<sup>(۱۸)</sup> توانست هونها را مجبور نماید که بسوی غزب آسیا و اروپا برانند و این مسأله سبب گردید که بعدها هونها به سرکردگی آتیلا برای امپراطوری روم به صورت یک خطر دائمی درآیند مهمتر آنکه جانگ چیان موفق شده بود خط ارتباطی میان چین و اروپا را باز نماید کاری که اسکندر مقدونی از انجام آن عاجز مانده بود و این راه که

بعدها به راه ابریشم معروف شد چرا که از طریق آن، ابریشم چین به روم صادر می‌شد و از این جهت رومیان چینیها را به عنوان ملت ابریشم می‌شناختند.<sup>(۱۹)</sup>

در زمان جانشینان اسکندر یک راه تجارتي، ایران را به ترکستان و چین مربوط می‌کرد که آن راه ابریشم نبود ولی محصولات پشم سوریه را به مغولستان می‌رساند و از زمانی که چینیها بایوئه چیها برخوردار کردند در صدد نابودی آنها برآمدند همچنین از همین زمان نیز به وجود روابط چین و ایران می‌توان استناد کرد.

### روابط ایران و چین در عصر اشکانی

در عصر اشکانیان روابط ایران و چین از زمان مهرداد دوم (اشک نهم ۲۴-۲۶ ق.م) آغاز گردیده است. ووتی<sup>(۲۰)</sup> یا وو فغفور چین از سلسله معروف هون<sup>(۲۱)</sup> (هان غربی) که در صدد بسط قلمرو حکومت خود در مغرب چین بود به اعزام هیأت‌های سیاسی و تجاری اقدام نمود و نخستین سفیر چینی که مأمور سرزمینهای غربی چین و پارت شد فردی به نام جانک چیان بود که به ریاست یک هیأت صد نفری تعیین شد وی معاون خود را برای کسب اطلاع از اوضاع دولت اشکانی به این سرزمین فرستاد که از او استقبال باشکوهی به عمل آمد.<sup>(۲۲)</sup> در مورد چگونگی ورود این هیأت به ایران اقوال مختلفی نقل شده است چنانکه گیرشمن در این باره می‌نویسند.

«در حدود ۱۱۵ ق.م مهرداد هیأت سفارتي را که از جانب امپراتور چین اعزام شده بود پذیرفت و دولت پارت با امپراتور معاهده‌ای منعقد کرد مبنی بر تشکیلات بسیار در امور تجارت بین‌المللی که در آن باب ایران، به عنوان کشور ترانزیت، حلقه ارتباطی را که دارای اهمیت اساسی بود تشکیل می‌داد.»<sup>(۲۳)</sup> (برخی دیگر مانند گوتشمید ورود هیأت چینی را در حدود سال ۱۰۵ ق.م آورده و سیانای در مقاله خود تحت عنوان اکتشافات جدید بر روی جاده ابریشم زمان ورود هیأت مذکور را سال ۱۱۳ ق.م ذکر کرده است.<sup>(۲۴)</sup>

پس به‌طور کلی از عصر اشکانی مبادله سفیر میان دو دولت ایران و چین آغاز گردیده و بتدریج توسعه و گسترش یافته است ولی به علت عدم وجود منابع و اسناد

کافی به زبان فارسی اطلاعات ما در این باره بسیار اندک است ولی چینیان اسناد و یادداشتهای زیادی از خود به جای گذاشته‌اند و سوماجی (سیماجی‌ین) بزرگترین مورخ چین باستان به این موارد اشاره کرده است که ما در اینجا به چند مورد از آنها اشاره کرده تا موضوع آغاز برقراری ارتباط میان این دو کشور روشن تر گردد. چنانکه راجع به ارتباط ایران و چین نوشته‌اند که:

«نخستین سفیر دولت چین که در زمان مهرداد دوم شهریار بزرگ اشکانی به ایران آمده درباره ایران و مردم آن این طور می‌نویسد: «اکثر مردم دهقان هستند و به کار کشاورزی اشتغال دارند و برنج و جو می‌کارند و شراب درست می‌کنند. این مملکت دارای صدها شهر قلعه‌دار بزرگ و کوچک است و از همه ممالک بزرگتر است سوداگران از اربابه و کشتی استفاده می‌کنند و به کشورهای مجاور حتی تا چندین هزار فرسنگ می‌روند و ذرکار بازرگانی مهارت فراوان دارند و از نقره سکه درست می‌کنند و از چینیه‌ها طرز قالب‌گیری سلاح را آموخته‌اند.»<sup>(۲۵)</sup>

سرپرسی سایکس در کتاب خود به نام تاریخ ایران راجع به ورود هیأت چینی به ایران چنین نوشته شده است:

«علمای چین باهم اتفاق دارند که تا یکصد و چهل قبل از میلاد اطلاعی در چین از اوضاع غرب نبوده است ولی در دوره خاندان هان هیأتی به اطراف و جوانب اعزام شده از جمله چند تن به سرزمین پارت که به اصطلاح آنها آن سیه<sup>(۲۶)</sup> گفته می‌شد سفر کرده بدانجا ورود کرده‌اند کینگ سمبل، اول کسی است که معلوم داشته لفظ آن سیه زبان چینی معرف کلمه ارزاسس اشک می‌باشد شرحی که نمایندگان چین راجع به پارت گزارش می‌دهند مشعر آن است که در آن سرزمین برنج و گندم و موکشت می‌کنند دو رادور شهرها دیوار کشیده شده است آن کشور بسیار بزرگ و پهناور است به علاوه اشاره به سکه‌های نقره پارتی می‌کنند که رواج داشته و بر آنها شکل پادشاه معاصر منقوش بوده است.»<sup>(۲۷)</sup>

وی همچنین در ادامه مطلب آورده است که سفرای مزبور در برگشت هدایایی برای پیشکش کردن به هان با خود آوردند که از آن جمله تخم مرغهای مرغان بزرگ و

شعبده‌بازیه‌های ماهرکی لین بوده‌است که مراد از این تخم‌مرغها تخم شترمرغ است که از صحرای عربستان می‌آوردند.<sup>(۲۸)</sup>

به عبارت دیگر نیز روابط ایران و چین در عصر اشکانی نیز این‌گونه ذکر شده‌است که:

در حدود سال ۱۲۸ ق.م یک سیاح معروف چینی موسوم به جانک‌چیان یک سال در نواحی شرقی رود جیحون در کشور باکتریا (بلخ) که در آن وقت در تصرف ساکاها بوده‌است به سر می‌آورده و اندکی بعد از آن نخستین سفیر از دربار چین به پایتخت اشکانی آمده‌است خاقان ووتی که این سفارت را گسیل داشت خود از سلاله خاقانهای هان<sup>(۲۹)</sup> می‌باشد و آن ایلچیان در نزد پادشاه پارت به عزت و حرمت بسیار پذیرفته شده و هنگامی که عازم بازگشت گردیدند هیأتی از طرف شاه ایران با آنها همراه گشته به چین رفت. این هیأت هدایایی چند که از آن جمله تخم شترمرغ فراوان و عده‌ای شعبده‌بازان و جادوگران بودند به چین بردند. باید گفت تجارت مابین پارت و چین خیلی قدیمتر از این شروع شده بود ولی تهاجم قبایل یوچی در حدود ۱۶۵ ق.م ظاهراً پیشرفت بازرگانی را دچار وقفه ساخت.<sup>(۳۰)</sup>

از مطالب فوق مشخص می‌شود که ایران مصمم گردیده بود سفیری به چین اعزام نماید ولی نام این سفیر و هیأت همراه او معین نگردیده‌است و از جریان ورود فرستاده دربار ایران به چین و مذاکرات انجام شده هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست.

### رواج آیین بودا در چین توسط ایرانیان

در عصر اشکانی به علت وجود تسامح مذهبی آیین بودا در شمال شرقی و مشرق ایران پیروان بسیار به دست آورد و حتی برخی از شاهزادگان اشکانی به این دین گرویده و به تبلیغ و انتشار آن همت گماشتند چون مردمان سرزمین پهناور چین پیرو آیینهای کنفوسیوس و تائو بودند چنین به نظر می‌رسد که با توجه به روحیه آزادمنشی و آسان‌گیری نسبت به مذهب امکان پیشرفت سریع مذهب بودا در آن کشور بعید نبوده‌باشد.

در اواسط سده دوم میلادی یکی از شاهزادگان اشکانی به نام اشک که پیرو آیین بودا بود به شهر لوه یانگ پایتخت سلسله هان شرقی مسافرت کرد و در آنجا ماندگار شد نامبرده بیست سال در آن کشور اقامت نمود و چون به زبان چینی تسلط کافی پیدا کرده بود شروع به ترجمه کتب بودایی نمود و ۳۹ جلد از آن کتابها را به زبان چینی ترجمه کرد چون این ترجمه‌ها به زبان ساده و مردم پسند بود با استقبال عمومی مواجه شد.

دیاکونف درباره شاهزاده مذکور نوشته است که او برای تحقیق در اوضاع سیاسی و تجاری چین به آن سرزمین سفر کرده<sup>(۳۱)</sup> و افرادی که برای تبلیغ آیین بودا از ایران به چین سفر کرده‌اند و نام چینی شده آنها در دست است به قرار ذیل می‌باشند:

۱- ان هوان<sup>(۳۲)</sup> از شاهزادگان اشکانی که مردی نیک نفس بود برای اشاعه آیین بودا به چین رفت و مورد توجه فغفور قرار گرفت و به درجه سرهنگی در ارتش آن کشور مفتخر شد ۲- ت - ان - دو - تی از مبلغان بودایی پارت بود که در سال ۲۵۴ م به چین رفت. راهب مذکور آگاهیهای بسیاری درباره اصول آیین بودا داشت و ضمناً به زبان پالی تسلط داشت.

۳- ان - فا - چین - هم از راهبان بودایی ایران بود که در حدود سالهای ۲۸۱ و ۳۰۶ م کتبی چند از مذهب بودا را به زبان چینی برگرداند به طوری که از پنج کتابی که او ترجمه کرد سه جلد آن قبل از سال ۷۳۰ م از بین رفت و تنها دو جلد آن هنوز وجود دارد.

۴- ان - فا - هی یین از بوداییان اشکانی بود لازم به تذکر است که چینیه‌ها به بودا فو می‌گفتند و مساعی این مبلغان بودایی ایرانی و هندی سرانجام سبب شد که میلیونها چینی به آیین مذکور درآیند و خود به تبلیغ و اشاعه آن در سایر نواحی اطراف چین بپردازند مبلغان و همچنین زایران بودایی، ایرانی و چینی معمولاً از جاده معروف ابریشم که هم راه تجارته و هم راه زیارتی بود می‌گذشتند و آنگاه از یکی از شاخه‌های فرعی آن گذشته به هند می‌رفتند و پس از زیارت زادگاه بودا به موطن خویش مراجعت می‌کردند زایران بودایی چین گهگاه برای زیارت معابد و پرستشگاههای بودا از قندهار تا مگادا صدها فرسنگ راه را طی کرده و برای وصول به مقصود خطرات سفر را بر خود

هموار می‌ساختند. (۳۳)

## روابط ایران و چین در زمان ساسانیان

در این دوره روند ارتباطات ابعاد گسترده‌ای پیدا می‌کنند و دو کشور ایران و چین با یکدیگر مناسبات صمیمانه‌تری نسبت به گذشته برقرار می‌نمایند و رفت و آمد سفرها و نمایندگان سیاسی و همچنین جهانگردان و زایران بودایی چین به ایران و ممالک همجوار آن فزونی می‌گیرد و نام ایران در اسناد و مدارک آنها بیشتر برده می‌شود و در رأس همه مسایل مورد علاقه دو کشور داد و ستد و بازرگانی نقش اول را دارد زیرا ایرانیها از تجارت با چینها سود می‌برند از این رو همواره در تحکیم مناسبات خود با آنها تلاش می‌کردند و تأثیر متقابل هنر دو ملت در این ایام به اوج خود می‌رسد و مذاهب ایرانی در کشور ابریشم و فرزند آسمان رواج می‌یابد ارتباطات مذهبی میان ایران و چین و وضعیت بازرگانی و اقتصادی میان دو کشور از جهاتی حایز اهمیت است که عبارتند از:

مسیحیت از جمله مذاهبی است که در قرن هفتم میلادی از خارج به چین راه یافت اگرچه این مذهب در ایران ریشه‌دار نبود با وجود این توسط ایرانیان در چین اشاعه یافت. در سال ۶۳۵ م یک کشیش مسیحی به نام آ-لو-پن<sup>(۳۴)</sup> به چین آمد و به حضور امپراطور رسید و در حضور برخی از رجال دربار به پرسشهای امپراطور پاسخ گفت و همین مسأله سبب شد که امپراطور فرمانی صادر نماید که به موجب آن راه تبلیغ آیین مسیحیت در چین باز شد و در سال ۶۳۸ م اولین کلیسای با فرمان امپراطور در پایتخت چین گشایش یافت. برخی معتقدند که آ-لو-پن ایرانی‌الاصل بوده است و مدت یک قرن چینها مذهب نسطوری را به عنوان مذهبی ایرانی می‌شناختند و در نتیجه اماکن مقدس آنها تحت عنوان پو-سی-سی<sup>(۳۵)</sup> کلیسای پارسیان نامیده می‌شد تا آنکه در سال ۷۴۵ م امپراطور چین فرمانی صادر کرد مبنی بر اینکه نام کلیسای مسیحیان که اشتهاً در نزد چینها به کلیسای پارسیان رایج شده بود به کلیسای رومیان تبدیل شد. (۳۶)

ولی در مورد ایرانی الاصل بودن آ - لو - پن نمی توان به طور صریح چنین ادعایی نمود. اصولاً علت راه یابی مسیحیت به چین را وضع دین مسیح در عصر ساسانی ایران می دانند بدین صورت که مسیحیان عصر ساسانی تا زمانی که دولت مسیحی روم را حامی و پشتیبان خود می دیدند مورد اذیت و آزار سلاطین ساسانی قرار می گرفتند و حتی گروهی از نویسندگان مسیحی کتابهایی نوشته و مظالم دولت ساسانی را نسبت به اقلیت عیسوی مورد سرزنش قرار دادند گهگاه هم در این راه افراط می کرده اند. زمانی که نسطوریوس اسقف قسطنطنیه عقاید خود را ابراز داشت مورد تکفیر دستگاه روحانی امپراطوری بیزانس قرار گرفت او و پیروانش هر یک به سویی فرار کردند برخی از آنها به ایران آمده و مسیحیان ایرانی را به سوی خود جلب کردند به طوری که در اندک زمانی ایرانیان مسیحی، نسطوری شدند و چون به کلی از روم بریده بودند مورد حمایت و پشتیبانی زمامداران ایران قرار گرفتند بنابراین مذهب مسیحی که به وسیله ایرانیان شناخته شد در شمار مذاهب آزاد امپراطوری ساسانی قرار گرفته و در آسیای شرقی و جنوبی تحت عنوان دین ایرانی اشتهار یافت.

ایرانیان مسیحی نسطوری برای تبلیغ دین خود راهی دیار دوردست شدند و آنها از چین و هند و سیلان سردرآورده و به اشاعه دین خود پرداختند و در این راه توفیق بسیار یافتند.

با پشتیبانی زمامداران سلسله تنگ کشیشان نسطوری موفق به تأسیس تعدادی کلیسا در کشور چین شدند و پیروان زیاد به دست آوردند آنها که اغلب تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفته بودند برخی از نوشته های خود را به زبان پهلوی برای ما به یادگار گذاشتند.

فرمان فغفور چین در سال ۸۴۵ م برای طرد مذاهب خارجی از چین شامل مسیحیان آنجا نیز شد و بتدریج از نفوذ این دین در خاک چین کاسته شد نکته گفتمی اینکه کشیشان نسطوری تحت تأثیر محیط چین و یا برای این که کمتر مورد مخالفت ادیان دیگر قرار گیرند در عقاید و نظرات خود تغییراتی دادند که در برخی موارد حتی مخالف تعلیمات اصلی مسیحی و تبلیغات آن دین بود. (۳۷)



با ارائه مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که رواج مذاهب ایرانی چون زرتشتی و مانوی و مذاهب غیرایرانی مانند بودایی و مسیحی نسطوری در چین نتیجه کوشش ایرانیان و روابط نزدیک دیپلماتیک بین کشور ایران و دیگر کشورهای آسیای مرکزی هندوچین بوده‌است و از تأثیری که ایرانیان و بویژه تجار ایرانی در معرفی مذاهب و اشاعه فرهنگ ایرانی تا مرزهای خاور دور خصوصاً به‌طور عمیق و ریشه‌دار در چین داشته‌اند نمی‌توان آنرا نادیده گرفت.

### روابط مذهبی ایران و چین - (نقش زرتشت در چین)

برخی معتقدند دین زرتشت اولین دین ایرانی است که به آسیای مرکزی و از آنجا به چین راه یافته ولی تاریخ دقیق معرفی دین زرتشت به مردم چین مشخص نیست لیکن از تواریخ چینی چنین استنباط شده‌است که آیین زرتشت در زمان سلسله توبا - وی (۳۸۶-۵۵۴) در شمال و سلسله لیانگ (۵۰۲-۵۵۶) در جنوب چین به آن دبار راه یافته‌است و در آن هنگام این مذهب به اشکال گوناگون شناخته می‌شد.<sup>(۳۸)</sup>

مشخصات مختلف دینی که در مناطق غربی رواج یافته و مورخان چینی به آن اشاره نموده‌اند بدون شک همان دین زرتشت است که در بین سالهای ۵۱۶-۵۱۹ میلادی برای اولین بار در چین ظاهر شده و امپراطوران چین از آن به گرمی استقبال نموده‌اند در ایران اردشیر بابکان (۲۴۱-۲۲۴ م) نخستین شهاریار خاندان ساسانی که احیاکننده آیین زرتشت بود دستور داد که نسخه‌های متعدد اوستا را که به‌صورت پراکنده در سراسر امپراطوری او و حتی خارج از قلمرو او وجود داشت گرد آورند و از آن یک نسخه کامل ترتیب دهند<sup>(۳۹)</sup> و تنسر روحانی بزرگ ساسانی را مأمور انجام این کار نمود به طوری که در این امر توفیق کامل به دست آورد ابن الندیم در الفهرست به این موضوع اشاره کرده و در آنجا از اعزام مردمانی به چین و هند و روم برای جمع‌آوری کتب و نسخه‌برداری از آنها خبر می‌دهد<sup>(۴۰)</sup> برخی دیگر رواج دین زرتشت در عصر ساسانی را به این‌گونه قایل هستند که:

در عصر ساسانیان آیین زرتشت به وسیله بازرگانان ایران و سغدی در چین انتشار

یافت چینیها به این آیین هسیئن چیاو<sup>(۴۱)</sup> می‌گفتند هسیئن در زبان آنها به معنای خدای آسمان بود در کتب چینی درباره دین ایرانیان آن زمان نوشته شده بود که اینها خدایان آسمان، آفتاب، ماه، آب و آتش را ستایش می‌کنند و به هنگام عبادت به درگاه خداوند مشک را با کهربا مخلوط کرده به ریش و پیشانی و گوش و بینی خود می‌مالند. بر طبق روایات وئی - شو - آیین زرتشت به قدری در قلمرو چین نفوذ یافته بود که حتی در بار چین پیروانی به دست آورده بود، همسر هسوان - وو - تی (۵۱۵-۵۰۰م) به نام لینگ - تائی<sup>(۴۲)</sup> به این دین گرویده بود گسترش دین مزدایی در چین در عصر حکومت تانگ (تنگ)<sup>(۴۳)</sup> پیش از دوره‌های دیگر بود که وسعت قلمرو این دولت در غرب به نهایت رسیده و می‌توان گفت که با دولت بزرگ ساسانی تقریباً همسایه بود بازرگانان ایرانی و سفدی که به چین می‌رفتند در اشاعه دین و آیین خود در آن سرزمین که اغماض و بردباری مذهبی در آن حکمفرما بود می‌کوشیدند.<sup>(۴۴)</sup>

آنچه از روایات فوق مشخص می‌گردد این است که دین زرتشت از ایران به چین رفته است نه از طریق کشور دیگر به آنجا سرایت نموده است کواچی هاندا در مقاله مذاهب ایرانی در چین نسبت به وضعیت دین زرتشت در چین و اساساً نظر امپراطوران چین را نسبت به ادیان بدین‌گونه می‌داند که امپراطور سلسله تنگ سختگیری نمی‌کردند و به همه ادیان آزادی داده بودند ایرانیها در اواخر سلطنت ساسانیان موفق به تأسیس چندین آتشکده در چین شدند. نخستین آتشکده به سال ۶۲۱ میلادی در پایتخت چین به نام چنگ آن<sup>(۴۵)</sup> که امروزه به نام سی آن «سیان»<sup>(۴۶)</sup> معروف است تأسیس شد.

تا قبل از صدور فرمان وو - تسونگ (۸۴۶-۸۴۱م) امپراطور سلسله تنگ که در آیین تائوایسم تعصب داشت (۸۴۵م) دین زردشت در آن کشور از موقعیت مناسبی برخوردار بود ولی با صدور این فرمان همه پیروان مذاهب خارجی تحت آزار و شکنجه قرار گرفتند و از تعداد زرتشتیان نیز کاسته شد ولی این آیین به کلی در این سرزمین از بین نرفت حتی سالها بعد از آن در هنگام امپراطوران سلسله‌های سونگ و یو آن هم کمابیش گروهی از زرتشتیان اموات خود را در دخمه می‌نهادند و یا با محارم ازدواج

می‌کردند علاقه چندانی به آن مذهب از خود نشان نمی‌دادند، گویا بیشتر زرتشتیان چین یا از ایرانیان مهاجر و یا ایرانی نژاد بودند.<sup>(۴۷)</sup>

از اشارات پراکنده در ادبیات چین استنباط می‌شود که در شهرهای مهم چین مانند چانگ دآن (پایتخت غربی) لو - یانگ پایتخت شرقی یانگ جو - دون خوانگ - تای - یوان - ئی جوو - کای - فنگ آتشکده‌های زرتشتیان در امور مذهبی فعالانه شرکت می‌کرده‌اند به روایت تاریخ جدید تانگ در پایتخت و استانهای غربی امپراطوری چین مراسم مذهبی زرتشتیان سالی دوبار انجام می‌گرفته است ولی چینیهای بومی اجازه شرکت در این مراسم و جشنها را نداشتند.<sup>(۴۸)</sup>

### نقش مانی در چین

در اواخر قرن هفتم میلادی آیین مانی دومین کیش ایرانی بود که در چین ظاهر شد. مانی مؤسس این آیین در سال ۲۱۶ میلادی متولد شد و در بیست و چهار سالگی این مذهب را در بین مردم ترویج کرد. وی با دیده اغماض و احترام به ادیان گذشته می‌نگریست لیکن مذهب خود را آخرین و بهترین دین می‌دانست مانی مورد تحقیر و آزار موبدان زرتشتی قرار گرفت و این امر باعث شد که بهرام اول (۴۷۳ م) او را هلاک کند علی‌رغم رفتار خشنی که موبدان زرتشتی به وی روا داشتند مانویت به صورت شبکه‌ای سری به حیات خود ادامه داد از آنجایی که پیروان مانی مورد اتهام و اذیت قرار می‌گرفتند. این خود دلیل عمده‌ای بود که آنان به سرزمینهای دوردست شرق مهاجرت نمایند و در آنجا اجتماعی عظیم را پیرو خود سازند و مراسم مذهبی خود را دور از نفوذ دشمنان به جا آورند.

بر طبق نوشته جویی لیان در رساله دوستی دیرینه ایران و چین، دین مانی در چین با اقبال دهقانان انقلابی مواجه شد چه تبلیغ مبارزه نور بر ضد ظلمت مانند مبارزه رنجبران جامعه بر علیه بیدادگران تلقی می‌شد. مخصوصاً در زمان سلسله سونگ بارها هنگام شورش دهقانان از طرف آنها به مفاهیم عملی مورد استفاده قرار گرفت. در اسناد چینی چندین قرن پس از درگذشت مانی نام او و مذهب او ذکر شده و از چگونگی

ورود آن بر خاک چین سخن رفته است. (۴۹)

مانویان کتابهای دینی خود را به زبان چینی برگردانده و بدین وسیله پیروانی به دست آورده بودند اما مانند زرتشتیان چین دوره ادبار و بدبختی مانویان هم در آن کشور فرارسید. اویغوریهای متمدن که بزرگترین مروج آیین مانی بودند پرستشگاههایی در نقاط مختلف چین بویژه در سر جاده‌های مهم ارتباطی میان سواحل و پایتخت ایجاد کرده بودند یکی از معابد آنها در خود لویانگ بود و دیگری در ساحل رودخانه یانگ تسه کیانگ تأسیس شده بود.

در سال ۷۶۲ م پادشاه اویغورها موسوم به یوقوخان پایتخت چین را که لویانگ نام داشت اشغال کرد و در این شهر با راهبان مانوی برخورد کرد و دین آنان را پذیرا شد و چهار تن از آن راهبان را با خود به میان اویغورها برد و به همت او آیین مانی در میان آن قوم رواج یافت، چون دولت چین از قدرت اویغورها و اهمه داشت ظاهراً جلوی انتشار آیین مانی را در کشور خود نمی‌گرفت. اما چون دولت اویغورها در سال ۸۴۰ م به وسیله قرقیزها از میان رفت به دستور امپراتور چین مانویان موظف شدند که جامه چینی دربرکنند. چند سال بعد دولت چین به کشتار و آزار مانویان دست یازید و هفتصد تن از آنان را اعدام کرد و معابدشان را ویران نمود و کتابهایشان را سوزانید و اموالشان را مصادره کرد. (۵۰)

در خاتمه بحث باید اعلام کرد که ایرانیان از مانی و نام او فقط چهره یک نقاش زبردست و صورتگر ماهر را در ذهن خود داشتند و از آیین و نفوذ عقاید مذهبی وی در نزد اقوام دیگر چیزی نمی‌دانستند. فردوسی راجع به مانی چنین می‌گوید:

بیامد یکی مرد گویا ز چین	که چون او مصور نیند زمین
بدان چو بدستی رسیده بکام	یکی پرمنش مردمانی به نام
بصورتگری گفت پیغمبرم	ز دین آوران جهان برترم
ز چین نزد شاپور شد بارخواست	به پیغمبری شاه رایار خداست
سخن گفت مرد گشاده زبان	جهاندار شد زان سخن بدگمان
سرش خیره شد موبدانرا بخواند	زمانی فراوان سخنها براند

کمترین مرد چینی چیره زبان	فتاد ستم از دین او در گمان
بگویند و هم زوسخن بشنوید	مگر خود به گفتار او بگروید
بگفتند کاین مرد صورت پرست	نه بر مایه موبدان موبد است
زمانی سخن بشنو او را بخوان	چو بیند تراکی گشاید زبان
بفرمود تا مانی آمد به پیش	سخن گفت با او از اندازه پیش <sup>(۵۱)</sup>

### روابط سیاسی و بازرگانی ایران و چین

ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی آن در گذشته نقش واسطه شرق و غرب (چین و هند در شرق و کشورهای مدیترانه‌ای در غرب) را عهده داشته‌است. آنچه به‌طور مسلم وجود دارد آنست که تا قبل از آنکه چینها به صحنه سیاسی غرب قدم بگذارند روابط تجاری بین ایران و کشورهای حوزه مدیترانه و اقیانوس هند کمابیش وجود داشته‌است.

چنانکه جانگ چیئن در گزارشی که به امپراطور چین تقدیم می‌دارد ضمن اشاره به وقایع بعد از سلطنت مهرداد اول می‌گوید مردم و تجاران شی با استفاده از گاری و قایق به کشورهای مجاور سفر می‌کنند و گاهی اوقات طی این مسافت به چندین هزار مایل می‌انجامد و یا به روایت تاریخ پیشین هان در بدو ورود اولین سفیر چین به ایران، پادشاه ایران فرمان می‌دهد که تا ۲۰ هزار سواره نظام از هیأت سیاسی چین در سرحد شرقی استقبال نماید و اشکانیان نیز سفیری برای کسب امتیازات تجاری روانه چین می‌نمایند.<sup>(۵۲)</sup>

موضوع اصلی روابط ایران و چین عمدتاً حول محور ابریشم بوده‌است در آغاز ابریشم منحصرراً در چین تولید می‌شد و از طریق ایران به روم می‌رسد و ایران تلاش می‌کرد که بتواند راه ترانزیتی خود را حفظ نموده و از آن به سود خود استفاده نماید. اطلاعاتی که راجع به مناسبات تجاری ایران و چین در عصر ساسانی به‌دست آمده‌است به زمان شاپور دوم (ذوالکثاف) و اردشیر دوم و شاپور سوم برمی‌گردد. بر طبق نوشته کریستن سن در زمان آمین مارسلن مورخ مشهور رومی که معاصر شاپور

**ذوالاکتاف** بود همه ساله در آغاز ماه سپتامبر در شهر بنته که در نزدیکی ساحل شرقی فرات قرار داشت بازار بین‌المللی بزرگی تشکیل می‌شد که در آن کالاهای چین و هند مبادله می‌گردید. <sup>(۵۳)</sup> همچنین پیدایش سکه‌های شاهان مذکور در غاز تورفان بر سر راه چین شاید دلیل دیگری بر وجود روابط تجاری میان ایران ساسانی و چین می‌باشد. <sup>(۵۴)</sup> مؤلف کتاب دریانوردی عرب معتقد است که: ارتباط دریایی میان چین و ایران وجود نداشته است در حالی که به نظر می‌آید که رابطه دریایی میان دو کشور مذکور وجود داشته که عقیده مسعودی در مروج الذهب این موضوع را تأیید می‌نماید که در آغاز کار کشتیهای چینی تا عمان و سیراف و ساحل فارس و ساحل بحرین و ابله و بصره می‌رسید و هم کشتیهای این دیار تا چین رفت و آمد داشت. <sup>(۵۵)</sup>

بر طبق تواریخ چینی همچون تاریخ وئی - شو <sup>(۵۶)</sup> تاریخ رسمی دولت پی - وئی <sup>(۵۷)</sup> رسیدن ده هیأت سیاسی ایران به چین در سالهای ۴۴۵ تا ۵۲۱ م به ثبت رسیده است و در این زمان یک بازار دربار چین به دربار ساسانی سفیری روانه گردیده است و در زمان هسی وئی <sup>(۵۸)</sup> از ایران به چین سفیری آمده است.

علاوه بر اینها گویا به‌طور مشخص در زمان پیروز شاه ساسانی (۴۵۸-۴۸۳ م) که مدتها سرگرم نبرد با قوم هیاطله بود با چینیان روابط سیاسی برقرار کرده و یا در زمان قباد (۴۸۷-۵۳۱ م) این رابطه بار دیگر از سر گرفته شد او سفرایی به دربار فغفور چین فرستاد که در منابع چینی مذکور است. در جلد صد و دوم کتاب وئی - شو مذکور است که در سان شن کوئی آن مملکت ایران سفیری همراه با نامه و هدایا به چین اعزام داشت در نامه مذکور بوده است که امپراطور مملکت بزرگ، پسر خداوند است امیدواریم که سرزمینی که خورشید از آنجا طلوع می‌کند همیشه متعلق به امپراطور چین باشد.

کو - وا - تا (کواذ اول - قباد) پادشاه ایران احترامات بیکران خود را تقدیم می‌نماید امپراطور این را با مسرت قبول کرد و از آن به بعد او هر ساله تحف می‌فرستاد. <sup>(۵۹)</sup>

مفاد نامه فوق اطاعت و فرمانبرداری پادشاه ساسانی را از فغفور چین نشان می‌دهد. در عصر انوشیروان بنا به نوشته مورخان اسلامی روابطی برقرار بوده است

چنانکه بلعمی از چینستان و شهرهای بسیار آن و نعمت و برکت فراوانی که در آن یافت می‌شود و همچنین از حریر و پرنیان آن سخن گفته‌است. (۶۰)

مسعودی از نامه شاه چین به انوشیروان و هدایایی که به برادر خود خسرو انوشیروان تقدیم داشته‌است مطالبی ذکر می‌کند از این قبیل که او از اسب مروارید نشانی سخن می‌گوید که دیدگان سوار و اسب از یاقوت سرخ بود و دسته شمشیرش از زمرد گوه‌ر نشان با یک جامه از ابریشم طلایی رنگ چینی که تصویر شاه با زیور و تاج در ایوان نشسته و خدمه به پا ایستاده و مگس پران به دست با رشته‌های طلا بر آن نقش بود و زمینه جامه لاجوردی بود در زنبیل طلا قرار داشت و کنیزی که در میان موی خود گم شده بود و زیبایی خیره‌کننده‌ای داشت حامل آن بود با چیزهای دیگر از تحفه‌های عجیب که از چین آمده بود. (۶۱)

علاوه بر اینها در کتابهای زین‌ال‌اخبار گردیزی و فارسنامه ابن‌بلخی اشاراتی راجع به روابط ایران و چین و ارسال هدایا میان سران دو کشور ذکر گردیده‌است.

پس از این پادشاه دیگر از روابط میان دو کشور در زمانهای هرمز چهارم و خسرو پرویز اطلاع چندانی وجود ندارد. علت توسعه روابط را باید در اوضاع و احوال نابسامان ایران در اواخر دوره ساسانیان بررسی نمود جانشینان خسرو پرویز به خاطر سوء سیاست که منجر به تهی شدن خزانه و آشفته‌گی مملکت گردید یکی پس از دیگری به تخت نشستند ولی اندک زمانی بعد کشته یا برکنار شدند تا زمان یزدگرد سوم که وی فرصت سر و سامان دادن به وضع مملکت را پیدا نکرد و مواجه با هجوم اعراب مسلمان به ایران گردید و بر دولت ساسانی چیره شدند و شاه ایرانی برای حفظ خود و کشورش از پادشاه چین کمک خواست پادشاه معاصر یزدگرد سوم تائی - تسونگ نام داشت که در تاریخ چین از او با احترام یاد کرده‌اند یزدگرد چون امید خود را دررهایی وطن از دست داده بود تصمیم گرفت که اموال و خزائن خویش را همراه گروهی از شاهزادگان و بزرگان به چین بفرستد. و ابن‌الندیم در الفهرست به این موضوع اشاره کرده و نوشته‌است که گنجینه‌های ایران به نزد پادشاه چین فرستاده شد. (۶۲)

پس از یزدگرد پیروز فرزند وی به چین می‌رود و تلاش می‌کند که به یاری لشکر

چین تاج و تخت نیاکان خود را به دست آورد و در سال ۶۷۲ م بدرود حیات گفت. (۶۳)  
از مطالب فوق چنین نتیجه گیری می شود که روابط تجاری و سیاسی میان دو کشور در این دوره نسبت به ادوار گذشته تاریخی گسترش و توسعه بیشتری پیدا کرده بود تا حدی که چینیان آن قدر نسبت به ایران آشنا می شوند که این کشور و پایتخت آن تیسفون را این گونه توصیف نموده اند:

این شهر یکصد هزار خانوار جمعیت دارد اراضی آن نسبتاً مسطح و هموار است در آنجا طلا و نقره و مرجان و عنبر و مروارید اعلی و اشیا شیشه ای، بلور، الماس و مس شنجرف و میوه یا زنبق فراوان است ایرانیان کالاهای تجاری نظیر حریر گلدار و پارچه های گلدوزی شده یا مليله دوزی و همچنین قالی و پرده های قلابدوزی دارند آب و هوای این سرزمین بسیار گرم است اراضی آن به وسیله قنات آبیاری می شود به علت گرمی هوا مردمان در منازل خود یخ نگه می دارند غلات و حبوبات پنجگانه آنها مانند چین مرغوب است. (۶۴)

### فهرست ارجاعات

- ۱- آموزگار ژاله تاریخ اساطیری ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، ص ۴۴-۴۵
- ۲- ابن اسفندیار - بهاءالدین، تاریخ طبرستان به تصحیح عباس اقبال، تهران خاور، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۵۸
- ۳- Feng - Shen - Yen - I - ۳
- ۴- Li - Ching
- ۵- Li - No - Cha
- ۶- جی - دسی - کویاجی - آیینها و افسانه های ایران و چین، ترجمه جلیل دوستخواه، تهران، ۱۳۵۳، ص ۲ تا ۵ با تصرف و تلخیص
- ۷- گوتشمید آفردفن، تاریخ ایران، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۲۵۳۶، ص ۱۴
- ۸- Chou



## فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آذری، علاءالدین: تاریخ روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷
- ۲- ابن اسفندیار، بهاءالدین: تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران خاور، چاپ دوم، ۱۳۶۶
- ۳- ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه رضا تجدد
- ۴- بویل جی - آ: تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، مقاله ویلیام واتسن، تهران، امیرکبیر، ج ۳، ۱۳۶۸
- ۵- بلعمی، تاریخ بلعمی، تصحیح ملک الشعرا بهار، به کوشش گنابادی
- ۶- پطروشفسکی و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا سده هجدهم، ترجمه کریم کشاورز، ج اول، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴
- ۷- تشکری، عباس: ایران به روایت چین باستان، تهران روابط بین الملل وزارت خارجه، ۲۵۳۶
- ۸- چی سی - کویاجی، آیینها و افسانه‌های ایران و چین، ترجمه جلیل دوستخواه، تهران، ۱۳۵۳
- ۹- حسین غیاث‌الدین (خواندمیر)، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، بی‌تا، تهران
- ۱۰- دوبواز نیلسون، تاریخ سیاسی پارت، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲
- ۱۱- دیاکونف، اشکانیان ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام چاپ دوم، ۱۳۵۱
- ۱۲- آموزگار ژاله، تاریخ اساطیر ایران، تهران انتشارات سمت، ۱۳۷۴
- ۱۳- سایکس سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۸
- ۱۴- فردوسی، شاهنامه، تصحیح محمد رضائی، ج چهارم، تهران خاور
- ۱۵- کویاجی هاندا، مقاله مذاهب ایران در چین مجله بررسیهای تاریخی، سال ششم، شماره ۳
- ۱۶- کریستن سن آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰
- ۱۷- گوتشمید آلفردفن، تاریخ ایران، ترجمه کیکاووس جهانواری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر، چاپ ۱۳۵۶

## Si - An - ۴۶

- ۴۷- هانداکویچی، مقاله مذاهب ایرانی در چین، مجله بررسیهای تاریخی سال ششم، شماره ۳، با تصرف و تلخیص، ص ۱۰۲
- ۴۸- تشکری، عباس: ایران به روایت چین باستان، پیشین، ص ۱۰۲
- ۴۹- آذری، علاءالدین: تاریخ روابط ایران و چین، پیشین، ص ۳۶
- ۵۰- نامق، ارغون حسین، آیین مانی در میان اویغورها، ترجمه عبدالقادر آهنگری، مجله بررسیهای تاریخی، سال ۷، شماره ۴، ص ۷۲
- ۵۱- فردوسی، ابوالقاسم: شاهنامه، ج چهارم، تصحیح محمد رضانی، تهران کلاله خاور ص ۱۸۶
- ۵۲- تشکری، عباس: ایران به روایت چین باستان، پیشین، ص ۱۵، با تصرف و تلخیص
- ۵۳- کریستن سن آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ص ۱۴۸
- ۵۴- آذری، علاءالدین، روابط ایران و چین، پیشین، ص ۴۲
- ۵۵- مسعودی، ابوالحسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۳۷
- ۵۶- Wei - Shu
- ۵۷- Pei - Wei
- ۵۸- Hsi - Wei
- ۵۹- هانداکرایچی، روابط سیاسی ایران و چین در دوره ساسانی، پیشین، ص ۱۶۰
- ۶۰- بلعمی، تاریخ بلعمی، تصحیح ملک الشعرا بهار، به کوشش گنابادی
- ۶۱- مسعودی، ابوالحسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، پیشین، ص ۳۶
- ۶۲- ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، پیشین، ص ۲۰
- ۶۳- کریستن سن آرتور، ایران در زمان ساسانیان، پیشین، ص ۵۳۱
- ۶۴- سایکس سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، ج اول، ۱۳۶۸، ص ۶۱۴

- ۹- بویل جی. آ. تاریخ ایران (کمبریج)، ترجمه حسن انوشه، مقاله ویلیام واتسن تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۶۵۰
- ۱۰- ابن اسفندیار بهاءالدین، تاریخ طبرستان، پیشین، ص ۲۹
- ۱۱- یعقوبی، احمد بن واضع: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، ج ۱۱، ص ۲۲۳
- ۱۲- Pazryk
- ۱۳- ویلیام واتسن، تاریخ ایران (کمبریج)، ترجمه حسن انوشه، پیشین، ص ۶۵۱
- ۱۴- یعقوبی، احمد بن واضع: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، جلد اول، ص ۲۲۳
- ۱۵- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، پیشین، ص ۲۲۴
- ۱۶- حسینی، غیاث‌الدین (خواندمیر)، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار، افراد شد، ج اول، تهران
- ۱۷- ابن الندیم، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، چاپ دوم، ۱۳۴۶، ص ۶۲۶، فغفور همان بغفور (بغفور) است که به زبان چینی یعنی پسر آسمان بود که از آسمان فرود آمده است.
- ۱۸- Chang - Chien
- ۱۹- لوهوئی مین، تاریخ چین، ترجمه ناهید شرقی با تصرف و تلخیص، ص ۱۸
- ۲۰- WV - TI
- ۲۱- دودمان هان به دو شعبه تقسیم می‌شد یکی هان غربی (از ۲۰۶ ق.م تا ۲۲۱ م) و دیگری هان شرقی از ۲۵ تا ۲۲۰ م سلطنت نمود.
- ۲۲- بیانی شیرین، هشت مقاله در زمینه تاریخ، ص ۴۲
- ۲۳- گیرشمن رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۶۴، ص ۲۹۳
- ۲۴- آذری، علاء‌الدین، روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۲۱
- ۲۵- پطروشفسکی و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا سده هیجدهم، ج اول،

- ۹- بویل جی. آ. تاریخ ایران (کمبریج)، ترجمه حسن انوشه، مقاله ویلیام واتسن تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۶۵۰
- ۱۰- ابن اسفندیار بهاءالدین، تاریخ طبرستان، پیشین، ص ۲۹
- ۱۱- یعقوبی، احمد بن واضح: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، ج ۱۱، ص ۲۲۳
- ۱۲- Pazryk
- ۱۳- ویلیام واتسن، تاریخ ایران (کمبریج)، ترجمه حسن انوشه، پیشین، ص ۶۵۱
- ۱۴- یعقوبی، احمد بن واضح: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، جلد اول، ص ۲۲۳
- ۱۵- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، پیشین، ص ۲۲۴
- ۱۶- حسینی، غیاث‌الدین (خواندمیر)، تاریخ حبیب‌السیرفی اخبار، افراد شد، ج اول، تهران
- ۱۷- ابن‌الندیم، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، چاپ دوم، ۱۳۴۶، ص ۶۲۶، فغفور همان بغفور (بغفور) است که به زبان چینی یعنی پسر آسمان بود که از آسمان فرود آمده است.
- ۱۸- Chang - Chien
- ۱۹- لوهوتی مین، تاریخ چین، ترجمه ناهید شرقی با تصرف و تلخیص، ص ۱۸
- ۲۰- WV - TI
- ۲۱- دودمان هان به دو شعبه تقسیم می‌شد یکی هان غربی (از ۲۰۶ ق.م تا ۲۲۱ م) و دیگری هان شرقی از ۲۵ تا ۲۲۰ م سلطنت نمود.
- ۲۲- بیانی شیرین، هشت مقاله در زمینه تاریخ، ص ۴۲
- ۲۳- گیرشمن رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۶۴، ص ۲۹۳
- ۲۴- آذری، علاء‌الدین، روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۲۱
- ۲۵- بطروشفسکی و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا سده هیجدهم، ج اول،

تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۶۴-۶۵

An - Sih - ۲۶

۲۷- سایکس سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران،

دنیای کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، ص ۴۵۵

۲۸- سایکس سرپرسی، همان، ص ۴۵۶

Han - ۲۹

۳۰- دیووانیلسون، تاریخ سیاسی پارت (اشکانیان)، ترجمه علی اصغر حکمت،

تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲، ص ۳۰

۳۱- دیاکونف، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ دوم، ۱۳۵۱، ص ۷۲

An - Huan - ۳۲

۲۳- مشکور، محمدجواد: تاریخ اجتماعی ایران، ص ۱۴۶

A - Lo - Pen - ۳۴

Po - ssu - ssu - ۳۵

۳۶- تشکری، عباس: ایران به روایت چین باستان، ص ۱۱۳

۳۷- کواچی هاندا، مقاله مذاهب ایرانی در چین جمله بررسیهای تاریخی، سال ششم،

شماره ۳، ص ۷۲

۳۸- تشکری، عباس: ایران به روایت چین باستان، تهران، روابط بین‌المللی وزات

خارج، ۲۵۳۶، ص ۹

۳۹- آذری، علاءالدین: تاریخ روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۳۴

۴۰- ابن الندیم، الفهرست، ص ۶۲۸

Hisen - Chiao - ۴۱

Ling - Tai - Hou - ۴۲

Tang - ۴۳

۴۴- آذری، علاءالدین: تاریخ روابط ایران و چین، پیشین، ص ۳۵

Chang - an - ۴۵